

مجله موسیقی

از انتشارات اداره کل هنرهای زیبای کشور



درآمد و فهرست مطالب کتاب
مقاصد الالحان

عبدالقادر مراغی

سخنی چند در احوال و آثار عبدالقادر مراغی

عبدالقادر بن عینی (غیبی ، عیسی ؟) حافظ مراغی ، از جمله دانشمندان موسیقی دان ایران است که در طی قرون اول تا نهم هجری میزیسته و در زمینه تحقیقات مربوط به موسیقی صاحب تألیفات و آثاری برارح هستند .

دوره ای که از قرن سوم تا نهم هجری بسط می یابد ، دانشمندان و نویسندگانی موسیقی شناس چون ابونصر فارابی (۳۳۹-۲۵۳ هـ) ، بوعلی سینا (۴۲۸-۳۷۰) ، صفی الدین عبدالمومن از موی (۶۲۵-) ، قطب الدین محمود شیرازی (۷۱۰-) و عبدالقادر مراغی (۸۳۸-) پرورده است و از لحاظ تاریخ موسیقی ایران و شرق ایهیتی اساسی دارد . چه ، آثار اینان نه فقط معتبرترین اسناد مربوط به موسیقی آن دوره است بلکه جهت تحقیق و تتبع در موسیقی دوره های پیش از آن - و حتی پیش از اسلام - مبذاتی علمی و ذیقیت نیز هست که بگذشته نیز راهی

می‌نماید. زیرا فراموش نباید کرد که با اینکه مدارک تاریخی فراوانی مبنی بر اهمیت و رونق موسیقی در دوره های پیش از اسلام در دست است با اینحال هیچ نوشته فنی در تشریح خصوصیات و کیفیت این موسیقی بدست نیامده و آثار دانشمندان موسیقی دانی که اشاره کردیم، بطور غیر مستقیم، در این مورد مهمترین مآخذ و منابع اطلاعات فنی کم و بیش دقیقی بوده و هست.

عبدالقادر مراغی را شاید بتوان آخرین مؤلف موسیقی دان مهم دوره ای که ذکرش رفت شمرد زیرا ارزش فنی و تاریخی آثار مؤلفانی که از آن پس آمده و صاحب تألیفاتی درباره موسیقی هستند، نسبتاً کمتر و محدودتر است. ممکن است گفته شود که نوشته های عبدالقادر اهمیت و اصالت فنی و تاریخی آثار فارابی و صفی‌الدین را نداشته یا از عمق و نفوذ و وسعت نظر دانشمندی چون ابن سینا بی بهره باشد، ولی نوشته های او از جهات دیگری جالب توجه و حائز اهمیت است: نخست اینکه نوشته های او - و بخصوص مقاصد الالحن که در حدود ۸۲۰ هجری نوشته شده است - از لحاظ جنبه باصطلاح دائرة المعارفی موسیقی جامع و کامل است و در آن از همه مباحث علمی و عملی و نظری موسیقی، سخن بیان می‌آید و از این گذشته در آن یک طریقه نت نویسی و خط موسیقی بکار رفته و نغمه ای به نت درآمده است که از نظر دقت و صراحت نسبتاً بسی سابقه می‌باشد. دیگر اینکه، برخلاف برخی دیگر از کتب و رسالات موسیقی متعلق به آن دوره، بزبان فارسی نوشته شده است.

مقاصد الالحن که از سیزده باب تشکیل می‌شود و درآمد و فهرست مطالب آن در دنباله این مختصر بیچاپ میرسد، به سلطان مراد دوم سلطان عثمانی و بمناسبت تاجگذاری وی اهدا شده و ظاهراً عبدالقادر برای تقدیم آن از سمرقند بدربار وی رفته است. عبدالقادر بیشتر عمر خود را در خدمت سلطان شاهرخ فرزند تیمور گذرانده و اثر مهم دیگر خود بنام جامع الالحن را هم بدو اهدا کرده است. از نوشته های عبدالقادر و همچنین از روایاتی که درباره او نقل شده است چنین برمی‌آید که وی علاوه بر معلومات علمی و فنی، در موسیقی عملی نیز دست داشته و آهنگساز و نوازنده سرشناسی بوده تاجاتی که هنوز در برخی از مناطق کشورهای شرقی تصنیف بعضی از آهنگ های قدیمی را بدون نسبت میدهند. خود عبدالقادر در این باره در کتاب مقاصد الالحن داستانی نقل میکند که این معنی را تأیید میتواند کرد و در طی آن بکتاب دیگری از آثار خود اشاره میکند که ظاهراً از بین رفته است. عبدالقادر نقل میکند که روزی، در سال ۷۷۸، در شهر تبریز و در مجلسی که عده ای از شاهزادگان و اساتید موسیقی در آن حضور داشتند سخن از این بیان می‌آید که تصنیف یک «نوبت» را، که یک قطعه موسیقی شامل اجزا و آهنگ هایی متعدد بوده است، «... در یک ماه نتوان کرد...» عبدالقادر مدعی میشود که اگر مصنف موسیقی دانی زبردست و

۱ - به مقاله «نمونه ای چند از آهنگی منسوب بعبدالقادر مراغی» در شماره اول مجله موسیقی مراجعه شود.

قادر باشد « ... هر روز نوبتی تألیف تواند کرد ... » و حتی حاضر میشود که خود ، این ادعا را عملاً باثبات برساند و در مدت يك ماه هر روز يك نوبت جدید ارائه دهد . بر سر این موضوع شرط می بندند و برای اینکه عبدالقادر از آهنگ هائی که قبلاً تصنیف کرده بود استفاده نکند قرار میگذارند که اشعار و خصوصیات مقام و وزن و آهنگ نوبت مورد نظر هر روز تعیین و بدو داده شود . عبدالقادر پس از يك ماه آنچه را ادعا کرده بود عملاً بشبوت می رساند و « ... خواجه رضوان شاه که صد هزار دینار گرو بسته بود بدختر خود داد و عقد نکاحش بسته و بغانه فقیر فرستاد و آن سی نوبت را بقاعده عمل در کتاب کنز الالغان ثبت کرده ام ... »

از کتاب کنز الالغان که ذکرش رفت ؛ ثری بدست نیامده و محققانی که در قرن اخیر بتحقیق در موسیقی شرقی پرداخته اند بحق ، این امر را بسیار در خور تأسف می شمارند زیرا کتاب مزبور شامل آثار موسیقی عبدالقادر بخط موسیقی مخصوصی بوده است و اگر در نظر آوریم که تنها نمونه آهنگ موجود در کتاب مقاصد الالغان را « يك بنای تاریخی بر اهمیت » شمرده اند میتوان حدس زد که آهنگ های کنز الالغان تا چه حد مفید و پرحاصل میتواند بود .

و اما از نوشته های دیگر عبدالقادر نسخه های متعددی در دست است و گذشته از جامع الالغان و شرح و تفسیری که بر کتاب الادوار صفی الدین ارموی نوشته ، از مقاصد الالغان نیز نسخه های خطی متعدد و نفیسی در بعضی از کتابخانه های مهم اروپا - و منجمله کتابخانه دانشگاه لید هلند - و همچنین در کتابخانه های خصوصی و عمومی در ایران یافت میشود .

در آمد و فهرست مقاصد الالغان که ذیلاً نقل میشود بوسیله آقای دکتر امیرحسین جهانبکلو با مقابله با چند نسخه قدیمی استنساخ شده و مجله موسیقی لازم میدانند بدین وسیله از ایشان سپاسگزاری نماید و امیدوار است که در آینده بتواند قسمتهای مفصل تری از این کتاب را با تفسیر و حواشی لازم بخوانندگان خود عرضه دارد .

در آمد و فهرست مطالب مقاصد الالغان

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي زين الاصوات بطيب الالغان والنغمات ، وصيرها دائرة بين الشعب والمقامات ، حبلى الطباع السليمه مؤتلفه بمعرفة الادوار ، وجعل صيتها باقيه بقاء الادوار . والصلوة والسلام على محمد ، المعبوث في النهايه والحجاز زعما للمخالف بالاجلال والاعزاز و على اله واصحابه

عشاق جماله ، المتحیرین فی وصف کمانه و سلم تسلیم کثیرا .

✦

اما بعد : فان الاذهان المستقیمه والطباع السلیمه مائله الی الموسیقی .
وکل مولود بسمع نعمه لن یلبس لباس الوجود علی سبیل الفضل والوجود .
وکل رضیع یضطرب لا لطمئن الا بسمع الزمزمه . وکل من لا یقف علی
مسالكها یقع فی المتعبه والمندمه . فان الارواح ماتت الی الاطراب عند سماع
المضرب ، بیت :

فالنفس والقلب والاسماع فی طرب والنای والمود والمزمار فی صخب
پس بنا برین مقدمه ، بنده فقیر حقیر ، اضعف ببادالله و احقر هم
واحوجهم ، عبدالقادر بن عینی الحافظ المرانی ، غفر الله ذنوبهما وستر عیوبهما ،
این مختصر را در معرفت الحان تألیف کردم مشتمل بر اصول و فروع و
قواعد این فن ؛ و بیان کردم درین مختصر ، مصطلحات قوم را . و بعضی از
آنچه این فقیر را از لطایف و نکات درین علم و عمل روی نمود بدانها
اضافه کردم و آنرا مقاصد الالحان نام نهادم .

پس هر که این مختصر را کما هو حقه بداند و در آن امان نظر
لازم دارد بر مجموع قواعد علمی و عملی و مصطلحات قوم از آنچه
درین فن بدان احتیاج است اطلاع یابد و بنسخ دیگر محتاج نشود ، چه
بحل مشکلات آنها درین مختصر اشارت کرده شده است ، مع فوائد کثیره
و زوائد لطیفه ؛ و بر تناقض کلام و اعتراضات که بر آنها واردست وقوف
یابد . که در ابواب و فصول و نکات این مختصر نیکو تأمل کنند تا مستفید
شوند و اعتراضات ناوارد در خاطر نیاورند ^(۱)

۱ - این جمله افتادگی دارد

و کسی را که طبع سلیم مستقیم نباشد تحقیق این فن نتواند کرد. زیرا بمجرد تقلید، تحقیق این فن میسر نشود بلکه (آنرا) بذوق و وجدان در توان یافت. و در این زمان بسیار کسان دیدیم که ایشان در اصناف علوم شتی^(۱) بد طولی و مرتبه اعلی داشتند و مدتهای مدید درین علم و عمل سعی بلیغ بتقدیم رسانیدند و از این فن بی بهره ماندند، چنانکه بوجدان فرق بین النغمات نکردندی و نه بذوق ازمنه‌ای که بین النقرات^(۲) است دریافتندی؛ و ذلك فضل الله يؤتیه من یشاء والله ذو الفضل العظیم.

و این مختصر را مرتب گردانیدم بر مقدمه و دوازده باب و خاتمه. والله جلت قدرته المعین و هو جسی و نعم الوکیل:

مقدمه: در روایات احادیث از پیغامبر صلی الله علیه و آله و سلم، که در صوت حسن فرموده است.

باب اول: در تعریف صوت و نغمه و بُعد و جمع، و معنی لفظ موسیقی و ذکر موضوع و حدود مبادی و سائل آن و کیفیت حدوث نغمه از آلات و بیان اسباب حدت و ثقل.

باب ثانی: در تقسیم «دساتین» بر «اوتار» و نسب ابعاد آنها، و بیان اسباب تنافر و طریقه اضافات ابعاد بیکدیگر و «فصل» ابعاد از یکدیگر و «تصنیف» ابعاد و «فضل» ابعاد بر یکدیگر.

باب ثالث: در بیان طریقه اعمال بعضی از اصناف اجناس «بُعد ذی الاربع» و تألیف «ملائم» از اقسام ملائمه بعد ذی الاربع و بعد ذی الخمس، و ترتیب دو ایر از اضافات آن ابعاد بیکدیگر و بیان الجزو انواع.

۲ - یعنی علوم کونا کون ۳ - یعنی ضربه‌ها

عشاق جماله ، المتحیرین فی وصف کمانه و سلم تسلیم کثیرا .

✽

اما بعد : فان الازهان المستقیمه والطباع السلیمه مائلة الی الموسیقی
و کل مولود بسمع نعمة لن یلبس لباس الوجود علی سبیل الفضل والوجود .
و کل رضیع یضطرب لا لطمئن الا بسمع الزمزمه . و کل من لا یقف علی
مسالكها یقع فی المتعبه والمندمه . فان الارواح مالت الی الاطراب عند سماع
المضرب ، بیت :

فالنفس والقلب والاسماع فی طرب والنای والمود والمزمار فی صخب
پس بنا برین مقدمه ، بنده فقیر حقیر ، اضعف ببادالله و احقرهم
واحوجهم ، عبدالقادر بن عینی الحافظ المرآعی ، غفر الله ذنوبهما وستر عیوبهما ،
این مختصر را در معرفت الحان تألیف کردم مشتمل بر اصول و فروع و
قواعد این فن ؛ و بیان کردم درین مختصر ، مصطلحات قوم را . و بعضی از
آنچه این فقیر را از لطایف و نکات درین علم و عمل روی نمود بدانها
اضافه کردم و آنرا مقاصد الالحان نام نهادم .

پس هر که این مختصر را کما هو حقه بداند و در آن امان نظر
لازم دارد بر مجموع قواعد علمی و عملی و مصطلحات قوم از آنچه
درین فن بدان احتیاج است اطلاع یابد و بنسخ دیگر محتاج نشود ، چه
بحل مشکلات آنها درین مختصر اشارت کرده شده است ، مع فوائد کثیره
و زوائد لطیفه ؛ و بر تناقض کلام و اعتراضات که بر آنها واردست وقوف
یابد . که در ابواب و فصول و نکات این مختصر نیکو تأمل کنند تا مستفید
شوند و اعتراضات ناوارد در خاطر نیاورند (۱)

۱ - این جمله افتادگی دارد .

و کسی را که طبع سلیم مستقیم نباشد تحقیق این فن نتواند کرد.
زیرا بمجرد تقلید، تحقیق این فن میسر نشود بلکه (آنرا) بذوق و وجدان
درتوان یافت. و در این زمان بسیار کسان دیدیم که ایشان در اصناف علوم
شتی^(۱) ید طولی و مرتبه اعلی داشتند و مدتهای مدید درین علم و عمل
سعی بلیغ بتقدیم رسانیدند و از این فن بی بهره ماندند، چنانکه بوجدان
فرق بین النعمات نکردندی و نه بذوق ازمنه‌ای که بین النقرات^(۲) است
دریافتندی؛ و ذلك فضل الله يؤتیه من یشاء والله ذو الفضل العظیم.

و این مختصر را مرتب گردانیدم بر مقدمه و دوازده باب و خاتمه.
والله جلت قدرته المعین و هو جسی و نعم الوکیل:

مقدمه: در روایات احادیث از پیغامبر صلی الله علیه و آله و سلم،
که در صوت حسن فرموده است.

باب اول: در تعریف صوت و نغمه و بُعد و جمع، و معنی لفظ
موسیقی و ذکر موضوع و حدود مبادی و سائل آن و کیفیت حدوث نغمه
از آلات و بیان اسباب حدت و ثقل.

باب ثانی: در تقسیم «دساتین» «بر» «اوتار» و نسب ابعاد آنها،
و بیان اسباب تنافر و طریقه اضافات ابعاد بیکدیگر و «فصل» ابعاد از یکدیگر
و «تصنیف» ابعاد و «فضل» ابعاد بیکدیگر.

باب ثالث: در بیان طریقه اعمال بعضی از اصناف اجناس «بُعد
ذی الاربع» و تألیف «ملائم» از اقسام ملائمه بعد ذی الاربع و بعد ذی
الخمس، و ترتیب دوایر از اضافات آن ابعاد بیکدیگر و بیان الجزو
انواع.

۲ - یعنی علوم گوناگون ۳ - یعنی ضربه‌ها

باب رابع: در ذکر ادوار مشهوره اعنی دوازده مقام، و اعداد نغمات و دوائر و طریقه اصطحاب^(۱) معمور در آلات ذوات الاوتار.

باب خامس: در ذکر آوازاں سته و استخراج آنها از رتر و آنچه سلطان العلماء افضل المتأخرین مولانا قطب الدین الشیرازی تعمده الله بغفرانه بر صاحب « ادوار » اعنی مولانا صفی الدین عبدال مؤمن بن فاخر الارموی، سقی الله ثراه و جعل الجنة مثواه، در مبحث ثامن کتاب خود اعتراضات نبشته و جواب آنها که این فقیر از روی تحقیق گفته و ادله اقامه کرده، و بیان استخراج نغمات آوازاں از آلات ذوات الاوتار.

باب سادس: در بیان شعبات بیست و چهار گانه و طریقه استخراج آنها از دساتین اوتار.

باب سابع: در بیان اشتباه ابعاد بیکدیگر و ذکر سایر طبقات و اشتراك نغم ادوار و مناسبات مقامات و آوازاں و شعت باینکدیگر.

باب ثامن: در طریقه پیدا کردن ترجیعات بر اوتار آلات و ذکر اصطحاب نامعهود و بیان طبقات اربعه در ذی الکلم مرتین و استخراج ادوار مشهوره در جمع تام.

۱ - در لغت یعنی مصاحب و یار بیکدیگر شدن. در اصطلاح موسیقی یعنی متناسب کردن سیم های یک ساز. این کلمه را در کتب موسیقی اغلب بصورت اصطحاب نوشته اند ولی صحیح این کلمه همان « اصطحاب » است. و اینک شرحی که در حاشیه یکی از کتب خطی در معنی این لغت آمده است درج میشود: «... اما طنبور ساز کردن که آنرا اصطحاب و تسویه نیز گویند بدو نوع بود: یکی تسویه خاص بدان آلت، و آن بر نسبت طنین باشد. دوم تسویه ذوالاربع که اشهر اصطحابات است. و در جای دیگر همین نسخه نوشته شده است: « اصطحاب نسبت دادن و تری است بمطلق وتر... »

باب ناسع : در بیان ادوار ايقائی و ذکر اصابع سته و طریقه قدیم
و قاعده اعداد و دخول در مبداء تصانیف .

باب عاشر : در تأثیر نغم و ادوار جموع و طریقه مباشرت در عملیات ،
و قاعده ساختن اصناف تصانیف در عملیات این فن و طریقه استخراج آنها
از ساز و از حلق معاً .

باب حادی عشر : در بیان اصناف انتقالات جزئیه در مبانسی ذی
الککل احد .

باب ثانی عشر : در تعلیم خوانندگی بحلق و اشارت بترکیب متفقه
و متخالفه و ذکر استخراج نغمات ادوار در جمع کامل و جمع تام از وتر ،
و بیان تحریرات بحر کات حلق ، و اسامی نغمات در جمع تام بعربی و یونانی .
خاتمه : در ذکر اسامی انواع آلات الحان ، و بیان مراتب آنها و
ذکر اسامی مباشران این فن ، و در آنکه مباشران این فن رعایت آداب
مجلس کنند و برایات و اشعار مناسبه تلحین کنند .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی